

نشست علمی-کارشناسی

مفهوم اوراسیای مرکزی

نشست علمی کارشناسی

مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی
(دانشگاه تهران)
انجمن ایرانی مطالعات منطقه‌ای
(کارگروه اوراسیای مرکزی)

۱۹ اسفند ۱۳۹۹

گزارش کامل



وبینار با حضور



دکتر جهانگیر کرمی

دانشیار روابط بین‌الملل دانشکده مطالعات جهان
دانشگاه تهران



دکتر بهرام امیراحمدیان

استاد مدعو دانشکده مطالعات جهان
دانشگاه تهران



گزارش کامل^۱

نشست علمی-کارشناسی «مفهوم اوراسیای مرکزی» از سوی مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی دانشگاه تهران با همکاری انجمن علمی ایرانی مطالعات منطقه‌ای (کارگروه اوراسیای مرکزی)، در تاریخ ۱۹ اسفند ۱۳۹۹ به صورت وینار برگزار شد. در این نشست دکتر بهرام امیراحمدیان استاد مدعو دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران و دکتر جهانگیر کرمی دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه تهران، به طرح دیدگاه‌های خود پرداختند. مدیر نشست نیز دکتر الهه کولایی بود.

در نود و پنجمین نشست علمی-کارشناسی مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی، دکتر کولایی با طرح مقدمه‌ای در مورد مفهوم اوراسیای مرکزی گفتند: مفهوم اوراسیای مرکزی یکی از مفاهیم بسیار مهم در حوزه کشورهای بازمانده از اتحاد شوروی است. این مفهوم هرچند در دوران شوروی به انزوا کشیده شد، اما پس از فروپاشی شوروی، به دلیل تحولات این مناطق و اهمیت روزافزون نواوراسیاگرایی؛ یکی از مفاهیم بسیار مهم برآورد می‌شود. ایشان سپس از دکتر امیراحمدیان درخواست کردند به طرح مباحث خود بپردازند.

دکتر امیراحمدیان در آغاز گفتند: آیا برداشتی که ما از اوراسیا داریم با برداشتی که دیگر محافل و مراکز پژوهشی در جهان دارند، یکسان است؟ از نظر مفهومی، اوراسیا یک قاره بزرگ است که حتی در بعضی رویکردها، آفریقا را هم شامل می‌شود. اوراسیا یک توده بزرگ بهم پیوسته است که به وسیله اقیانوس‌ها احاطه شده است. با این وجود، همانطور که خاورمیانه با نگاهی غربی تعریف شده است، در تعریف

^۱ این گزارش از نوار صوتی سخنرانان محترم در نشست «مفهوم اوراسیای مرکزی» استخراج شده است.

اوراسیا نیز ابتدا پیشوند آن را از ابتدای نام اروپا گرفته و سپس آسیا را به آن اضافه کرده‌اند؛ یعنی نگاه از غرب به شرق. در واقع اوراسیا یک قلمرو بزرگ واقع در آسیا و اروپا تعریف شده است.

یونانی‌ها، در دوران باستان «اروپا» (برگرفته از شاهزاده خانم فنیقی اساطیری با نام اروپا) و آسیا (برگرفته از آسیا، زنی در اساطیر یونان) را به عنوان سرزمین‌های جدا طبقه‌بندی می‌کردند. جایی که باید خط تقسیم دو منطقه را ترسیم کرد، هنوز مورد بحث است. امروزه علم جغرافیا می‌گوید بخش شرقی کوه‌های اورال که از شمال دریای خزر تا اقیانوس منجمد شمالی کشیده شده است، تا اقیانوس آرام، «آسیا» نام دارد و بخش غربی کوه‌های اورال، تا اقیانوس اطلس «اروپا» نام دارد. دیگر اینکه در شمال کوه‌های قفقاز چاله‌ای وجود دارد به نام چاله (دپرسیون) «کوما-مانیچ» که مرز آسیا و اروپا را تشکیل می‌دهد، مورد مناقشه است؛ زیرا کوه «البروس» (در مرکز رشته کوه‌های قفقاز بزرگ) بخشی از اروپا خواهد بود و آن را (نه مونت بلانت-مون پلان) بلندترین کوه اروپا باید دانست. امروز مرز تعیین‌شده، توسط فیلیپ یوهان فون استرهلنبرگ در قرن ۱۸ پذیرفته شده است. او خط تقسیم در امتداد دریای اژه، داردانل، دریای مرمره، بسفر، دریای سیاه، چاله کوما-مانیچ، دریای خزر، رودخانه و کوه‌های اورال را مرز طبیعی منطقه اوراسیا می‌داند و این نگاه مورد قبول بسیاری از مراکز تحقیقاتی است. در کاربرد مدرن، اصطلاح «اوراسیا» یک نام مردمی (دمونیم) به معنی «اوراسیا یا مربوط به اوراسیا» یا «بومی یا ساکن اوراسیا» به کار می‌رود. همچنین برای توصیف مردمی با تبار ترکیبی «آسیایی» و «اروپایی» استفاده می‌شود. اوراسیا در درجه اول در نیمکره شرقی و شمالی قرار دارد. این ابر قاره، بخشی از ابر قاره آفریقایی-اوراسیا یا به سادگی قاره‌ای در حد خود محسوب می‌شود.

ایشان در ادامه گفتند: تعریف روس‌ها از اوراسیا بر اساس نظر دانیلوفسکی است. این فیلسوف قرن نوزدهم اوراسیا را در محاصره هیمالیا، قفقاز، آلپ، قطب شمال، اقیانوس آرام، اقیانوس اطلس، مدیترانه، دریای سیاه و دریای خزر می‌دانست. با فروپاشی شوروی روس‌ها از آن تعریف دور شدند، اما قصد بازگشت به آن را با ساختارهای نوین دارند. روسیه برای همبستگی که می‌خواهد ایجاد کند، مجبور است که سیاست‌های خود را بر این اساس تنظیم کند. با الهام از این کاربرد، اصطلاح اوراسیا گاهی برای اشاره به فضای پس از شوروی- به ویژه روسیه، جمهوری‌های آسیای مرکزی و جمهوری‌های ماورا قفقاز {قفقاز جنوبی}- و گاه نیز برای اشاره به مناطق پیرامون مانند ترکیه و مغولستان به کار می‌رود. ایران و هندوستان و پاکستان و افغانستان در خارج از این تقسیم بندی قرار می‌گیرند.

از دیدگاه سیاسی، این منطقه دولت‌های پرشمار و مردمان گوناگونی دارد. اما، شاید اصطلاح «اوراسیا» یک ساختار ژئوپلیتیکی، شعار سیاسی، آرزوی اقتصادی و ساختی ایدئولوژیک و تلاشی برای انتقال پویایی به اتحادیه اقتصادی اوراسیا هم برآورد می‌شود. یعنی با این نگاه، اگر اتحادیه اقتصادی اوراسیا بخواهد قدرت بگیرد؛ باید چنین ساختاری تعریف شده باشد. مهم‌تر از همه این مفهوم به دنبال نظمی جدید و پساآمریکایی است که در آن روسیه نقش بنیادین دارد.

ایشان افزودند: آقای نظربایف یک ایده را برای اینکه کشورهای منطقه اوراسیا بتوانند با یکدیگر فعالیت کنند، پیشنهاد کرد: به جای، کانال ولگا-دن که یک کانال محدود در قلمرو فدراسیون روسیه است و در فصول سرد سال یخبندان است و ظرفیت کمی دارد، یک مسیر از طریق چاله «کوما-مانیچ» بسازند و دریای خزر به دریای سیاه متصل شود، که البته با

مخالفت روسیه روبه رو شد؛ چرا که کنترل روسیه در اوراسیا کمتر می‌شد.

ایشان در ادامه افزودند: در روسیه، اوراسیاگرایی را در دو بخش، توصیف می‌کنند. زبان ترکی بال شرقی جهان اسلام و زبان فارسی بال شمالی جهان اسلام است. این دو کشور در همسایگی اوراسیا قرار دارند، روسیه برخی زمان‌ها؛ ایران و گاه ترکیه را جزء اوراسیا به حساب می‌آورند. به همین سبب برای اینکه روسیه سرزمین خود را تقویت و احساس امنیت کند، باید در و پنجره خود را ببندد. در دوران کمونیستی این در و پنجره، کشورهای پیرامون بلوک شرق یا کشورهای سوسیالیستی بودند. پس از فروپاشی شوروی حلقه‌های امنیتی روسیه که شامل جمهوری‌های متحد و گروه بندی شرق بود، از بین رفت و جمهوری‌ها مستقل شدند. اکنون به همین سبب، مسکو می‌خواهد جمهوری‌های بازمانده شوروی را وارد ساختار و اتحادیه‌ها کند. روسیه به دنبال ساختن، امپراتوری قاره‌ای عظیمی است که بتواند در آنجا امنیت و بازار خود را به دست آورد. در این نظریه، ترکیه و ایران نمی‌توانند مکمل روسیه در اندیشه «اوراسیاگرایی» باشند. ترکیه با در نظر گرفتن منافع خود به دنبال نو عثمانی‌گری و ایران گاه به دنبال «ایران بزرگ» در چارچوب هلال شیعی (و به اعتباری محور مقاومت) است، اگرچه نه ایران سیاسی، بلکه ایران فرهنگی است. در کل می‌بینیم که «اوراسیا گرایی» یک مفهوم سیال و گسترده و به نوعی سیاسی است تا فرهنگی و اقتصادی. با توجه به رویکرد روس‌ها به این موضوع، دشواری‌هایی در دستیابی به هدفشان وجود خواهد داشت، چرا که بازیگران پرشماری در منطقه حضور دارند.

در ادامه دکتر کرمی به طرح دیدگاه‌های خود پرداختند. ایشان گفتند: در مورد اوراسیای مرکزی، در حدود یک و نیم قرن که از پیدایش مفهوم ژئوپلیتیک گذشته است، شاهد تحولاتی در این مفهوم بودیم. ژئوپلیتیک

از مفهوم مکانی بودن قلمروها، به مفهوم «فضا» تغییر پیدا کرده است. به نوعی از «ایستایی» به «پویایی» و از «داده بودن» به «گفتمان بودن» و از «قلمرو بودن» به «برساختگی» و از اموری تنها مربوط؛ به «قدرت‌های بزرگ» به اموری «جهانی و مربوط به همه دولت‌ها و ملت‌ها و بشریت» تبدیل شده است. دانش ژئوپلیتیک در اواسط پیدایش، یکی از نزدیک‌ترین دانش‌ها به مفهوم دولت و موضوعی ملی‌گرایانه بوده است و حتی در دهه‌هایی برابر با نژادپرستی برآورد می‌شده است. به تدریج، این مفهوم تغییر پیدا کرد و از جبرگرایی جغرافیایی و ژئوپلیتیکی، به یک موضوع در کنار دیگر عوامل و موضوعی وابسته به ایده‌ها و نگرش‌ها تغییر پیدا کرده است. ژئوپلیتیک اینک فقط رابطه جغرافیا و دولت نیست، بلکه رابطه جغرافیا و دولت و سیاست‌ها و نگرش‌ها و اندیشه‌ها و به ویژه گفتمان‌ها است. مفهوم ژئوپلیتیک، بسیار سیال است، از این جهت که از نگاه هر دولتی، این مفهوم متفاوت است. مجموعه این‌ها باعث شده است، ما وقتی سراغ اوراسیاگرایی می‌رویم هم با همین پیچیدگی و تحول رویارو باشیم. مفهوم اوراسیا محصول اصل رقابت استعماری است و به معنی این نیست که با پایان عصر استعماری خاتمه پیدا کرده باشد. بلکه به‌ویژه از زمانی که مفهوم کلی اوراسیا تبدیل شده به اوراسیای مرکزی، این مفهوم از پرکاربردترین مفاهیم بوده است.

ایشان در ادامه با طرح این پرسش که «در یک ونیم سده گذشته از ابتدای پیدایش مفهوم اوراسیا در قرن نوزدهم تا امروز که این مفهوم باز تولید شده، چه تحولی در مفهوم اوراسیای مرکزی ایجاد شده است؟» گفتند: ما هیچ مفهوم و تعریف ثابتی از مناطق در حوزه ژئوپلیتیک نداریم و اختلاف‌نظرها بسیار زیاد است. این اختلاف‌نظر طبیعی است و بخش عمده آن به این دلیل است که مفاهیم، بازتولید قدرت هستند. قدرت این مفاهیم را تولید کرده و تلاش می‌کند از این راه به اقدام‌های خود،

مشروعیت ببخشد. هم در مفهوم اوراسیای «ستی» هم در اوراسیای «مرکزی» دوره جدید، همچنان این محیط رقابتی، منازعه آمیز، تنش آلود است و در آینده هم همگرایی، صلح، همکاری جدی در این منطقه دور از ذهن خواهد بود.

ایشان در ادامه گفتند: اوراسیای مرکزی را در مفهوم ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک، ژئوکالچری و ژئواستراتژیک بررسی می‌کنم. مفهوم جغرافیای اوراسیا، به دورانی برمی‌گردد؛ که نام آن وجود نداشت، اما در پرتو راه ابریشم، ارتباط‌هایی از شرق و جنوب آسیا از راه این منطقه، به سمت اروپا و خاورمیانه و شمال افریقا در جریان بود. دانش ژئوپلیتیک، محصول تحولات استعماری قرن نوزدهم است. در قرن نوزدهم، مفهوم اوراسیا متولد می‌شود، یک بخشی به دلیل ظهور فناوری ریلی و اقدام‌های روسیه پس از پتر و آمدن آلمانی‌ها که سبب شد منطقه به کانون رقابت تبدیل شود. مفهوم بازی بزرگ، مباحث ژئوپلیتیک در آسیای مرکزی را پوشش می‌دهد، اما این مفهوم ژئوپلیتیکی با پیدایش شوروی و بعد از جنگ جهانی دوم فراموش و به رقابت ایدئولوژیک در سطح جهانی تبدیل شد. با سقوط شوروی بار دیگر مفهوم اوراسیا زنده شد، اما این بار با مفهوم اوراسیای مرکزی. البته هنوز بحث اوراسیا کاربرد دارد و حتی در ده سال اخیر در روسیه مفهوم اوراسیای بزرگ‌تر را مطرح می‌کنند، که شامل روسیه و چهارده جمهوری جداشده و ایران ترکیه افغانستان مغولستان و چین است.

مفهوم بعدی مربوط با اوراسیا، مفهوم ژئوکالچری منطقه است. اوراسیا به مفهوم یک منطقه ژئوکالچر برمی‌گردد، به تحولات قرن نوزدهم و خودآگاهی که در مسلمانان روسیه ایجاد شد. مفهوم ژئوکالچری، از طرف ما ایرانی‌ها هم باید جدی گرفته شود، زیرا امپراتوری‌های ایرانی در برخی از دوره‌های مهم امپراتوری‌هایی اوراسیایی بودند. همچنین

مورخین اولین امپراتوری اوراسیایی را امپراتوری هخامنشیان می‌دانند. در دوره‌های بعدی، کم و بیش این ارتباط و نفوذ فرهنگی بود و نشانگان زیادی که در ارتباط با فرهنگ و تمدن و مذهب ایرانی در تاریخ منطقه وجود داشته است.

ایشان افزودند: مفهوم بعدی، ژئواکونومی اوراسیای مرکزی است که در سه دهه اخیر بسیار روی آن کار شده است. بحث انرژی و انتقال آن، بحث‌های حمل و نقلی، طرح کمربند چینی، بحث اوراسیا و ژئواکونومی منطقه را به بحث‌های مهم تبدیل کرده است. اگرچه اقتصاد اوراسیای مرکزی؛ اقتصاد بزرگی نیست و در حدود دو تریلیون دلار است. اورسیای بزرگی که روس‌ها مطرح می‌کنند حدود بیست و پنج تریلیون دلار است و نزدیک به یک سوم اقتصاد جهانی را در بر می‌گیرد. اگر با این دید به موضوع بنگریم، مفهوم ژئواکونومی اوراسیا از موضوع‌هایی است که اهمیت بسیاری دارد.

مفهوم ژئواستراتژیک اوراسیای مرکزی در چارچوب تعریفی که سائول کوهن (البته با تفسیر و تعبیر اینجانب) ارائه می‌کند، دنیا را شامل چهار منطقه ژئواستراتژیک آسیا پاسفیک، اورو آتلانتیک، منطقه اوراسیایی و سرانجام خاورمیانه‌ای می‌داند. در این نگاه، منطقه اوراسیایی هم در بحث جهانی شدن و هم در نظام بین‌المللی و قطب‌بندی آینده دنیا، با توجه به رقابت‌های غرب، چین، روسیه هم با شرق آسیا و هم خاورمیانه ارتباط جدی دارد و مرزهای مشخص وجود نداشته و تداخل‌های جدی وجود دارد. منطقه اوراسیای مرکزی منطقه کانونی است و نقطه اتصال فرهنگ‌ها و ارتباطات ژئواکونومیک است.

ایشان در ادامه گفتند: ما می‌توانیم آینده منطقه اوراسیا را بر اساس این مفاهیم بهتر درک کنیم و روندهای آن را رصد نماییم. با توجه این به

مفاهیم؛ در منطقه اوراسیا استعداد تنش و منازعه و همکاری و تعامل همزمان وجود دارد، اما تنش‌ها بسیار پرننگ‌تر است. در ارتباط با ایران ما حدود ۳۰۰۰ کیلومتر مرز مشترک با منطقه داریم که هم مزیت و هم آسیب‌پذیری خاصی دارد. چین مرز طولانی‌تری را با منطقه دارد، اما فقط با دو منطقه؛ یکی شرق دور و روسیه و دیگری آسیای مرکزی. در ترکیه نیز محدودیت‌های مهمی وجود دارد. چه بخواهیم چه نخواهیم این منطقه در آینده اولویت ما خواهد بود و این اولویت هم می‌تواند از نگاه دفع تهدیدها باشد و هم از نگاه حضور فعال که اگر ایران حضور فعال نداشته باشد، آن زمان باید به تهدیدهای برخاسته از منطقه رو آورد که بسیار پرهزینه است. به‌طور طبیعی لازمه حضور فعال این است که در داخل کشور، اولویت‌های اقتصادی تعریف شود تا با دست پر وارد منطقه شویم و متأسفانه با شرایط فعلی چشم انداز مثبتی برای ارتباط موثر با منطقه دیده نمی‌شود.

در ادامه حاضران به طرح پرسش‌ها و نقطه‌نظرهای خود پرداختند.

پرسش: آیا مردم سالاری در ایران وابسته به مباحث مربوط به اوراسیا است؟

دکتر کولایی: مردم‌سالاری در ایران را باید در بافت و بستر غرب آسیا و منطقه خاورمیانه بررسی کنیم. تحولات افغانستان از سال ۲۰۰۱ به بعد پیام‌ها و درس‌های خوبی برای ما داشت. همچنین تجربه عراق، انقلاب‌های رنگی، بهار عربی و حتی دگرگونی‌های سیاسی در روسیه مورد خوبی برای مطالعه است. در روسیه بعد از مجموعه‌ای از تحولات، پوتین به این موضوع اشاره کرد که: مردم‌سالاری روسی از نوع مردم‌سالاری اروپایی نیست. از دهه ۱۹۶۰ بسیاری از نظریه پردازان نظریه

گذار با طرح مفهوم گذار از نظام‌های بسته به نظام‌های باز، روی این مسئله تمرکز کردند که مردم‌سالاری، یک مسیر خطی و براساس تجربه جوامع انگلو-امریکن نیست بلکه در هر منطقه، الگوها و مسیرهای متفاوتی وجود دارد. اگر تحولات آسیای مرکزی را با قفقاز مقایسه کنید تفاوت‌ها بسیار چشم‌گیر است و حتی در خود منطقه قفقاز تجربه کشورها متفاوت است.

مردم‌سالاری در ایران، جدا از تجربه‌های پیشین مردم ایران و جنبش‌های اجتماعی و انقلاب‌های پیشین و البته سرنوشت و فرجام آن انقلاب‌ها نمی‌تواند بررسی شود. باید بپذیریم که شاخص‌هایی که در مناطق دیگر شکل گرفته، با همان ابعاد در ایران تحقق پیدا نمی‌کند و یا دست‌کم تقدم و تاخر آن متفاوت خواهد بود.

دکتر امیراحمدیان: در تکمیل مباحث خود، زمانی که ما از اوراسیا صحبت می‌کنیم، از مسئله «هارت‌لند و ریم‌لند» حرف می‌زنیم. آینده اوراسیا و بازمانده اتحاد شوروی «روسیه» به اقتصاد مرتبط است، چراکه فقر، فاصله طبقاتی، توزیع نابرابر درآمد در این کشور زیاد است و عناصر تجزیه طلبی، در سراسر اوراسیا از سین کیانگ در چین گرفته تا شمال و جنوب آسیای مرکزی از قرقیزستان، تاجیکستان، قزاقستان و ازبکستان وجود دارد. دیگر اینکه تکنولوژی و فضای مجازی و اینترنت تحولاتی را که انقلاب‌های رنگی را به وجود می‌آورد، محکم‌تر کرده است و دولت‌ها را در اداره سرزمین، تضعیف کرده است. واقعیت‌ها نشان می‌دهد آنچه به نظر آقای دوگین می‌رسد که یک اوراسیای بزرگی شکل بگیرد، یک مفهوم خیالی است. برای نمونه اگر چین و روسیه را در نظر بگیریم، سطح مبادلات دو کشور، به قدری نیست که دو کشور را پیوند دهد و چین با ایالات متحد آمریکا در سطح بالایی کار می‌کند که نه هیچ کشور و بلوکی، قدرت و توان جایگزینی با آن را ندارد. دوم اینکه هر چه منطقه

بزرگ‌تر می‌شود کارایی کمتری دارد و مناطق کوچک‌تر بهتر فعالیت می‌کنند. تحولات آینده منطقه اوراسیا به صورتی نیست که به سمت همگرایی و ایجاد رژیم فراگیری حرکت کند و حتی ممکن است به مناطق کوچک‌تری تبدیل شود و شاید احتمال تجزیه در روسیه تصور می‌شود.

دکتر کرمی: نقش آفرینی موثر برای ایران در منطقه، وابسته به این است که از سوی ایران، اولویت با اقتصاد و رویکردهای اقتصادی باشد و روابط خارجی نیز قابلیت بهره‌گیری از فرصت‌ها و امکان‌ها را داشته باشد. اما این که مردم سالاری در هر کشوری متأثر از شرایط و سازوکار و پویایی کشورها است، در همان حال تاثیر محیط خارجی بر مسائل داخلی کشورها نباید نادیده گرفته شود.

در پایان نشست، دکتر کولایی از حضور دکتر امیراحمدیان و دکتر کرمی و همه میهمانان تشکر کردند.

پایان

انجمن ایرانی مطالعات منطقه‌ای

آدرس: تهران، خیابان انقلاب، دانشکده

حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

تلفن: ۰۲۱۶۶۴۱۹۸۰۴

نمبر: ۰۲۱۶۶۹۵۳۹۹۶۰-۰۲۱۶۶۴۱۹۷۰۴

پست الکترونیک:

info@irsa.org.ir

تارنما:

irsa.org.ir

تهیه گزارش: سمیه بابازاده

Iranian Regional Studies Association

Address: Faculty of Law and
Political Science, University of
Tehran, Enghelab Ave, Tehran,
Iran.

Website: irsa.org.ir

Email: info@irsa.org.ir

Tel No: +982166419704